



به نام خدا

قابل لمس ترین افسانه ایرانی قالی ایرانی است. کهن ترین تمدن بشری ، در

آغوش خود ، باغ گل همیشه بهاری پرورانده است روح پرور ، بی خزان ، پیشکش به همه

جهانیان.

هر آنگاه که این هدیه باستانی رامی گسترانید ، پنجره ای را می‌گشایید به افقی بی انتها و در

این لحظه ، لبخندی که بر رخسار بیننده اش نقش می بندد ، لذت تماشای دشت وسیعی است

از هنرها و از هنرمندی ها. هنرهایی به وسعت هنرهای هفتگانه و هنرمندیهایی به عظمت

عجایب هفتگانه.

از یک سو نقاشی و نگارگری ، شعر و شاعری و داستان سرایی ، معماری ، رقص ، نمایش و

تصویرگری و سایر هنرهای تجسمی ، در فرش ایرانی ، هر یک به گونه ای جلوه گرند . از

سوی دیگر ، سطح بالایی از علوم و فنون سنتی و باستانی و امروزی از قبیل گیاهشناسی

، رنگسازی و رنگرزی ، نساجی ، شناخت و پرورش دام ، شیمی ، بوم شناسی جامعه شناسی

و تاریخ در قالی و قالیبافی به شکل هوشمندانه و استادان ای در هم آمیخته شده و بکار

گرفته شده اند.

این شاهکار بشری ، برای رسیدن به دوران ما ، از فراز و فرود و از پیچ و خم تاریخ با

سرافرازی گذر کرده ، دورانها ، مردمان و پادشاهان بسیاری را دیده و زینت بخش کاخها و

خانه ها و سراها بوده است.

از بررسی قدیمی ترین قالی که تا کنون کشف شده ، اینگونه درمی یابیم که قالی

و قالیبافی از هزاره های پیش از میلاد وجود داشته است. پیچیدگی فنون بافت و

تولید و همچنین آن میزان از کمال و پختگی نقش که در قالی پازیریک ، با تاریخ بافت ۳

هزار ساله اش می توان دید ، بیانگر این است که ریسندگی ، رنگرزی ، نقشه کشی و بافندگی

قالی میبایست بیش از یک یا دو هزار سال قبل از آن آغاز شده باشد تا بتواند در این درجه از

کمال جلوه کند. بنابر این ، تصور قدمت و سابقه حداقل ۵۰۰۰ ساله برای آن دور از ذهن

نیست.

گستره جغرافیایی و تاریخی قالی و قالیبافی را لازم است حتما از دو جهت مورد

بررسی قرار داد.

نخست ، گسترش فوق العاده امپراتوریهای ایرانی نظیر هخامنشیان و سرزمینهای پهناور

تحت سیطره آنان که از شرق و شمال چین و هندوستان تا شرق اروپا را شامل بوده. (در نقوش قالی پازیریک نیز سبک هنر و نقوش هخامنشی بطور مشخص و قابل استنادی دیده می شود).

دوم ، یافته های جدید محققان در تمدن جیرفت و زیر و رو شدن بنیان نظریه های باستان شناسی است که کوچ گسترده آریایی ها از مناطق مرکزی فلات ایران به منطق شمالی تر ، حتی تا جنوب سیبری را بدست میدهد . این رویداد در نتیجه خشک شدن دریا های مرکزی ایران پیش آمده است . قالی پازیریک نیز در دامنه های یخ زده رشته کوه های جنوبی سیبری کشف شده است . در مراحل بعدی این مهاجرت بزرگ و طولانی ، جمعیت به مرور و طی سده ها از آنجا در جهت غرب منتشر شده و علت آن ، فاصله گرفتن از سرزمین های سرد و خشن و از قبایل بدوی همسایه بوده است . ساکن شدن این جمعیت از آسیای میانه و قفقاز تا شرق اروپا ، از دلایل وجود قالیبافی در این مناطق است . بررسی مورد دوم از آن روی مهم است که تلاش های برخی دولتهای تازه تاسیس و تازه به دوران رسیده را در فراهم آوردن هویت و سابقه نداشته از محل تمدن ایران باستان ، و حتی در مصادره اعتبار قالی پازیریک بی اثر میکند . از معروفترین تاریخ نویسان باستان گزنفون (یونان حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد ، کتاب سیرت کورش) می نویسد : ایرانیان برای این که بسترشان نرم باشد قالیچه زیر

بستر خود می‌گسترند.

مناطق فرش‌بافی شناخته شده در گستره ای وسیع از جغرافیا و تاریخ و فرهنگ دیده

می‌شوند. از شرق و شمال چین ، از هندوستان ، آسیای میانه ، افغانستان ، پاکستان ،

قفقاز از داغستان تا باکو و ارمنستان ، شرق اروپا از مولداوی ، رومانی ، مجارستان و غرب

آناتولی و آز آنجا به شمال افریقا و سپس جنوب و شوق آناتولی و در نهایت مرزهای فعلی

سرزمین ایران بستر این شاهکار بینظیر میباشد که هر کدام زیباییها و داستانهای زیبا و

خیال انگیز خود را دارند.

امروزه با وجود تمامی بی مهریها و غرض ورزیها ، عشایر قشقایی ، فارس ، چهار محال و

بختیاری و جنوب کرمان ، عشایر بلوچ جنوب خراسان ، عشایر آذربایجان ، روستاهای

کردستان و لرستان و خراسان ، طوایف ترکمن ، شهرهای اصفهان ، تبریز ، کرمان ، همدان ، قم

، اراک ، نائین ، مشهد ، کاشان و سایر شهرهای کوچک و بزرگ ایران ، هرکدام به سهم خود

پرچم فرش ایران را برافراشته نگاه داشته اند. این شرح حال و سرگذشت ، در کتابی که به

همت مجموعه فرش تارنگ در دست تهیه است و در آینده ای نزدیک در اختیار تمامی

علاقمندان به فرش ، قالیبافی ، هنر تاریخ و فرهنگ ایران قرار خواهد گرفت ، با عشق روایت

شده است.

در یک نگاه ، فرش و سایر دستبافته های زیر مجموعه آن را به سه دسته عمده

زیر میتوان بررسی کرد:

۱- فرش و دستبافته های عشایری

(شامل : فرش ، گبه ، گلیم ، جاجیم ، سفره ، نمکدان ، خورجین ، مفرج ، جل اسب ، سیاه

چادر ، چننه ، چوقا ، هور ، وریس و سایر ملزومات زندگی عشایری عموماً از جنس پشم

گوسفند و موی بز)

۲- فرش و دستبافته های روستایی

(شامل : فرش ، گلیم ، جاجیم ، خورجین ، سفره ، سردری ، هور و سایر ملزومات زندگی

روستایی عموماً از جنس پشم ، نخ پنبه و گاهی ابریشم)

۳- فرش و دستبافته های شهری

(شامل : فرش ، گلیم ، سفره ، تابلو فرش و ... از نخ پنبه و پشم و ابریشم ؛ تقریباً همه

دستبافته های تمام ابریشمی در این گروه دسته بندی نمود)

با سلیقه های امروزه مشتریان در داخل و خارج از ایران و با نوع تولیدات فعالان

حوزه فرش دستبافت ، فرشهای متنوعی را در بازار میتوان یافت . در حال حاضر ، رایج ترین

و پر تولید ترین گونه ها از مناطق تبریز ، قشقایی ، اصفهان ، بیجار ، بختیاری ، نائین ، کاشان

، قم ، کرمان ، اراک ، همدان و خراسان و ترکمن میباشند.

به همراه شما عزیزان ، در هر کدام از بخشهای سایت ، ویژگیهای تولیدات مناطق

مختلف فرشبافی ایران را جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد . این موارد شامل معرفی و

شرح طرح ها و نقشه ها ، جنش تار و پود مورد استفاده ، انواع رنگرزی ها و ریسندگیها و

انواع تکنیکهای بافت خاص هر منطقه خواهد بود.

